



ساخت و اعتباریابی پرسشنامه کمی بالندگی زنان سرپرست خانوار

دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران
دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران
استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

نرجس بختیار خلج ^{id}

منصور حقیقتیان* ^{id}

سیدناصر حجازی ^{id}

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۲ | پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰ | ایمیل نویسنده مسئول: mansour_haghighatian@yahoo.com

فصلنامه علمی پژوهشی خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷

<http://Aftj.ir>

دوره ۲ | شماره ۳ پیاپی ۷ | ۵۶۷-۵۸۹

پاییز ۱۴۰۰

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف: هدف این پژوهش شناسایی ابعاد و مولفه‌های بومی مبتنی بر جامعه اسلامی و زن مسلمان ایرانی همچنین شناسایی ابعاد و مولفه‌های بومی بالندگی و تولید ابزاری دقیق برای سنجش این ابعاد است. **روش پژوهش:** روش پژوهش در این مقاله ترکیبی است. جامعه آماری در بخش کیفی شامل کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه زنان سرپرست خانوار است. نمونه آماری بخش کیفی ۱۵ نفر بود که حجم آن به روش اشباع نظری تعیین شد. در بخش کمی نیز جامعه آماری تمام زنان سرپرست خانوار کشور بود که با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شد به خاطر اطمینان بیشتر نمونه آماری به ۴۵۸ نفر ارتقا یافت. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد بالندگی زنان سرپرست خانوار دارای ۳ بعد کلی (بینش، دانش و منش) و ۷ عامل (ایمان، تکریم نفس، شناخت خود، شناخت محیط، مهارت زندگی، چندنقشی بودن، مدیریت رفتار) و بار عاملی بدست آمده در همه ابعاد بالاتر از ۰,۷۰ و قابل قبول است. **نتیجه‌گیری:** بالندگی زنان دارای پیچیدگی نظری و عملیاتی است و نمیتوان ادعا نمود که مدل استخراج شده یک مدل کامل و بی نقص است اما تا کنون ابزار سنجشی بومی برای بالندگی زنان سرپرست خانوار وجود نداشته، این تحقیق میتواند گامی نخست برای پژوهش در این زمینه باشد.

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(بختیار خلج، حقیقتیان و حجازی، ۱۴۰۰)

در فهرست منابع:

بختیار خلج، نرجس، حقیقتیان، منصور، و حجازی، ناصر. (۱۴۰۰). ساخت و اعتباریابی پرسشنامه کمی بالندگی زنان سرپرست خانوار. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۲(۳): ۵۸۹-۵۶۷.

کلیدواژه‌ها: بالندگی زنان سرپرست خانوار، دانش، بینش، منش، اعتباریابی پرسشنامه

مقدمه

خانواده مهم‌ترین بنیاد اجتماعی است که افراد در آن رشد کرده و وارد جامعه می‌شوند. با توجه به این نکته، استحکام جامعه که بنایی عظیم است، کاملاً وابسته به استواری ستون‌های خانواده است. هر گونه اختلال عملکرد در خانواده‌ها موجب فرو ریختن ارکان جامعه است. با توجه به اینکه نیمی از جمعیت ایران را زنان تشکیل می‌دهند، بنا بر سرشماری سال ۹۵ میزان جمعیت زنان ایران، تعداد ۳۹۴۲۷۸۲۸ نفر بوده که می‌توان این افراد را منابع انسانی بالقوه کشور دانست و با سرمایه‌گذاری برای آنان علاوه بر بهره‌مندی از مشارکت زنان، زمینه‌های توسعه همه جانبه کشور را فراهم آورد (حقی، حق طلب و عسگری، ۱۳۹۷). در اکثر جوامع، مسئولیت سرپرستی خانواده بر عهده مرد است و در این میان، آن دسته از زنانی که به دلایلی همچون فوت همسر یا طلاق، عهده دار مسئولیت‌های زندگی خانوادگی هستند، در معرض آسیب‌های زیادی قرار دارند. این آسیب‌پذیری به علت وجود نقش‌ها و وظایف جدید، به ویژه نقش مضاعف مدیریت خانواده، تغییر شکل روابط با اطرافیان، تحمل کنترل‌های اجتماعی، کاهش مقبولیت اجتماعی و امنیت مالی و ... به وجود می‌آید و این شرایط، همه اعضای خانواده را با مسائل و مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌سازد و تنش‌هایی را بر آن‌ها وارد می‌کند (بختیاری و محبی، ۱۳۸۵).

اصطلاح زنان سرپرست خانوار در عصر جدید کاربرد بیشتری پیدا کرده است؛ چرا که با روند رو به رشد تعداد خانوارهای زن سرپرست، حضور فعال آنان در حوزه‌های مختلف فرهنگی و اقتصادی، سیاسی و ... مشاهده می‌شود. امروزه بهداشت روانی از حقوق مسلم شهروندان بوده و زنان سرپرست خانواده و فرزندان آنان از جمله اقشار آسیب‌پذیر به شمار می‌آیند که باید به منظور تأمین سلامت روانی اجتماعی حمایت شوند. پژوهش‌هایی که با موضوع زنان سرپرست خانوار صورت گرفته نشان می‌دهد که بیشتر از زنان غیر سرپرست با عوامل استرس‌زای جسمی، روانی، اجتماعی، حقوقی و اقتصادی دست به گریبان‌اند (رفعت‌جاه، شکور و جعفری، ۱۳۸۶؛ سولمون و همکاران، ۱۹۹۷).

در عصر حاضر، تغییرات شگرفی در نظریات توسعه پدید آمده است، یکی از این تغییرات، توجه به مقوله عاملیت انسانی است، چیزی که به نوعی باعث پدیدایی و تقویت نظریه‌هایی چون بالندگی در عرصه‌های مختلف به خصوص در حوزه زنان گردیده است. بر این اساس، بالندگی زنان، در برگیرنده افزایش مشارکت، خود آگاهی، قابلیت اعتماد و گسترش آزادی انتخاب زنان توسط خودشان است؛ بنابراین، در پژوهش حاضر به بالندگی زنان سرپرست خانوار توجه خاصی شده است؛ گروهی که اغلب در معرض آسیب‌هایی چون ضعف دسترسی به فرصت‌های شغلی، بی‌سوادی یا کم‌سوادی، نداشتن درآمد مستمر و سایر مشکلات روحی و روانی قرار دارند که در صورت تشدید آن‌ها، خسارات قابل تأملی بر پیکره اجتماع وارد خواهد شد. به همین خاطر، پژوهش حاضر که با هدف بررسی شیوه‌های بالندگی زنان سرپرست خانوار به لحاظ نظری نگاشته شده است، در صدد است با الهام از نظریه‌های بالندگی، رفاه و با تأکید بر نقش سرمایه‌ی اجتماعی (حمایت اجتماعی، اعتماد و اطمینان)، دریچه جدیدی را به منظور شناخت ابعاد بالندگی زنان سرپرست خانوار در عرصه‌های اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی و روانی ارائه نماید (سیاها، بنی‌سی و محمدی‌آریا، ۱۴۰۰).

بالندگی زنان به معنای دستیابی بیشتر زنان به منابع و کنترل بر زندگی خود تعریف شده که موجب احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتری در آن‌ها می‌شود و این فرایند موجب افزایش عزت نفس زنان می‌شود. در سطح جهانی، برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل ارتقای برابری جنسیتی و بالندگی زنان در سطح گسترده را به

عنوان یکی از اهداف کلیدی اعلامیه‌ی هزاره‌ی سوم اعلام کرده است. به تبع آن در کشور ما نیز، بالندگی زنان و مشارکت آن‌ها در فرایندهای مختلف زندگی، به عنوان یکی از نشانگرهای مهم موفقیت مبارزه با فقر تلقی شده است (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۵).

رشد و بالندگی فردی یک فرآیند طولانی مدت برای رسیدن به موفقیت و کامیابی است! در واقع در فرآیند آموزش بالندگی فردی ما با شناخت خودمان می‌توانیم در بالندگی فردی خودمان نقش مهمی ایفا کنیم و برای بهتر شدن راههای جدیدی را انتخاب نماییم. بی‌شک همه‌ی ما آدم‌ها دلمان می‌خواهد بهترین زندگی را داشته باشیم، جایگاه شغلی ایده‌الی برای خودمان ایجاد کنیم، موقعیت مالی خوبی داشته باشیم و در کسب و کارمان پیشرفت کنیم. به همین دلیل بنای تمامی موفقیت‌ها و کامیابی‌ها، رشد و بالندگی شخصی است و زمانیکه بتوانیم به رشد برسیم و خودمان را بشناسیم می‌توانیم در زندگی به هر چیزی که دلمان می‌خواهد برسیم (هماینی دمیرچی و همکاران، ۱۳۹۵).

اگرچه به طور مستقیم پژوهشی در خصوص بالندگی زنان سرپرست خانوار انجام نگرفته است، اما پژوهش‌های متعددی در خصوص عواملی که بر بالندگی زنان سرپرست خانوار اثرگذار است، انجام گرفته است. از جمله در تحقیقات داخلی می‌توان به اسلامی و همکاران (۱۳۹۹)، جمشیدی و مهدی زاده (۱۳۹۸)، پروندی و عارفی (۱۳۹۸)، مصطفی پور و همکاران (۱۳۹۸) و... اشاره نمود که به بررسی عواملی پرداخته‌اند که به نحوی به بالندگی زنان سرپرست خانوار منجر خواهد شد. عواملی نظیر: بهزیستی روانشناختی، خودکارآمدی، شایستگی، هدفمندی و... در پژوهش‌های خارجی نیز پژوهشی یافت نشد که به طور خاص به بالندگی زنان سرپرست خانوار پرداخته باشد. به عنوان مثال پانانپیتیا (۲۰۱۹)، بر اهمیت معرفی روش‌های سازگاری و اقدامات انعطاف‌پذیر در جهت تأمین معیشت زنان سرپرست خانوار تأکید دارد. گلین (۲۰۱۹) بر عادی شدن افزایش خانواده‌های زن سرپرست در ایالات متحده آمریکا تأکید دارد. پوکوه و ویدیاستیکا (۲۰۱۸) به مطالعه تلاش امیدوارانه زنان سرپرست خانوار به پیشرفت در اندونزی پرداخته است. شانوگا و جاستین (۲۰۱۶) مدلی جدید در رابطه با توانمندسازی و مشارکت اجتماعی زنان مسلمان را طراحی کردند. طبق این مدل توانمندسازی زنان در حوزه‌های شخصی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی به طور قابل توجهی ظرفیت اجتماعی و دسترسی آن‌ها به نهادهای عدالت را بهبود بخشیده است.

در ادبیات نظری علوم انسانی و اجتماعی مفهومی تحت عنوان بالندگی، نظریه پردازی نشده است. اما مفاهیمی نزدیک به آن وجود دارد که وجوه اشتراکی با مفهوم بالندگی دارند. این مفاهیم اگرچه دارای وجوه مشترک و نزدیک به آن چیزی است، که مدنظر پژوهش حاضر است. اما وجوه افتراق مشخصی نیز با آن دارند. در ادامه برخی از این مفاهیم بررسی و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها با مفهوم بالندگی ذکر می‌شود.

الف) رشد. رویبشتک و کاشوبک (۱۹۹۹) اقدام برای رشد فردی را به عنوان عاملی مفید به منظور درک بهتر پریشانی روانی و در نتیجه افزایش بهزیستی روانشناختی معرفی کرده‌اند. همچنين، ریف (۱۹۸۹) رشد فردی را یکی از مؤلفه‌های بهزیستی روانشناختی عنوان کرده و رشد فردی را توانایی فرد برای پیشرفت و ارتقاء خود به منظور مبدل شدن به یک انسان با عملکرد کامل، رسیدن به خود شکوفایی و نیل به اهداف می‌داند. در این تعریف، رشد، یک وجهه روانشناختی و فردی دارد. آنجا که اشاره می‌شود به پیشرفت و ارتقا و بدل شدن به یک انسان با عملکرد کامل، می‌تواند تا حدی با مفهوم بالندگی همسو باشد. اما آنچه در مفهوم

بالندگی مدنظر است، علاوه بر ابعاد موجود در مفهوم رشد، دارای یک بعد معنویت و اعتقادی است که به رشد اخلاقی و اجتماعی فرد منجر می‌شود.

ب) *تعالی*. طبق تعریف فرهنگ معین، تعالی از ریشه علو و معنای بلند شدن، بزرگوار شدن و بلندی است. ترکیبی از فضیلت‌های اخلاقی (مانند رعایت عدالت، عفت، شجاعت، سخاوت) و در یک کلام همه خوبی‌ها و رعایت حد اعتدال در همه مراتب زندگی است (ازگلی، ۱۳۹۰). همچنین رید (۲۰۱۴) تعالی فردی را توان و ظرفیت گسترش مرزهای خود برای دستیابی به چشم اندزهای گسترده‌تر که به فرد کمک می‌کند تا از تجربه‌اش معنا بسازد و تعالی فردی را، توسعه مرزهای خود از طریق چهار بعد (درون فردی، بین فردی، سیمای زمانی و فرافردی) می‌داند. طبق این تعریف، فرد متعالی دارای ویژگی‌هایی است که منبعث از چهار بعد مذکور است. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به یافتن معنا و هدف، رابطه با دیگران، ساختن آینده از طریق ادراک گذشته و آینده و اتصال به بعد بالاتر و والاتر.

همانگونه که ملاحظه می‌شود، تعالی دارای یک بعد اعتقادی و ماورالطبیعی دارد و یا در بهترین حالت، می‌توان آن را وابسته به اعتقادات دانست و توجهی به بعد دنیوی از جمله امورات روزمره و شرایط اقتصادی و مالی ندارد. لذا اگرچه این مفهوم بیشترین وجود مشترک را با بالندگی دارد، اما پر واضح است که بعد مادی در آن به کل کنار گذاشته می‌شود.

ج) *انگیزش*. هرسی و بلنچارد انگیزش را اراده و میل به انجام دادن کار تعریف کرده‌اند. برای آنان انگیزه‌ها چراهای رفتارند که نه تنها به آغاز و استمرار فعالیت در آدمی کمک می‌کنند، بلکه در تعیین جهات کلی رفتار نقش دارند. از طرفی انگیزه‌ها و نیازها را توأمان از عوامل و دلایل اصلی عمل یا رفتار آدمی باید به شمار آورد. هرسی و بلنچارد تأکید می‌کنند که در باب مفاهیم به هم پیوسته انگیزش و نیاز باید توجه داشت که این دو مفهوم نباید با ضرورت آنی یا هیچ نوع خواست عاجل چیزی تداومی شود، بلکه معنی آن‌ها صرفاً چیزی است در درون فرد که او را به عمل وادار می‌کند (هرسی و بلنچارد، ۱۳۷۲). در بیشتر مطالعات انجام شده، انگیزش دارای سه بعد علاقه، مهارت درک شده و تلاش است. بنابراین تعاریف و شاخص‌ها، انگیزش دارای ماهیت روانشناختی است که به نوعی محرک فرد برای انجام کنش و رفتار هدفمند است. وجه اشتراک این مفهوم با بالندگی، در جنبه فردی و درونی است. اگرچه فرد بالنده می‌تواند یک فرد دارای انگیزش باشد، اما تنها این نیست. به عبارتی دیگر انگیزش تنها بعدی از بالندگی را که مربوط به ویژگی‌های درونی فردی است پوشش می‌دهد. لذا بالندگی عام‌تر از انگیزش است.

د) *توانمندی*. کلر و ممبویو (۱۹۹۱) توانمندی زنان را فرایندی تعریف می‌کند که به وسیله آن زنان برای ساماندهی خودشان توانمند می‌شوند و اعتماد به نفس خود را افزایش می‌دهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی ایشان می‌گردد، دفاع کنند (مالهوترا و همکاران، ۲۰۰۲). توانمندی و توانمندسازی پروژه‌ای برون‌گرا است که از بیرون از فرد تحمیل می‌شود. یعنی توانا نمودن فرد از طریق برخی آموزشها یا تسهیلات مالی است که از طرف موسسات یا گروه‌های اجتماعی به فرد منتقل می‌شود. در این مفهوم خبری از فعالیت و سوژگی زن وجود ندارد. کدها و اطلاعات از بیرون تنظیم و به فرد منتقل می‌شوند. اما در مفهوم بالندگی، نوعی تلاش و کوشش درونی از طریق خود فرد صورت می‌گیرد و تلاش برای طی نمودن مراتب بدون اتکا و تکیه بر کمک‌های افراد خارجی می‌باشد.

پژوهش‌های انجام‌شده حاکی از آن است که زنان سرپرست خانوار در بیشتر جوامع، برای بهبود زندگی خود و خانواده، نیازمند برنامه‌های توانمندسازی هستند. برای برداشتن گام‌های مؤثر در مسیر توانمندسازی زنان، در کنار توجه به عوامل اقتصادی و سیاسی جامعه، باید باورها و نگرش زنان نسبت به خود و توانایی‌های خود تغییر یابد (سیاها و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین با مشارکت دادن زنان در فعالیت‌های اجتماعی می‌توان سبب افزایش شبکه روابط اجتماعی و ایجاد انگیزه در کارهای دست‌جمعی شد. بیشتر مطالعات ذکرشده به شناخت مفهوم و ابعاد توانمندسازی، عوامل مؤثر بر آن و تاثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی بر توانمندسازی پرداختند و زنان را به‌عنوان قشر ضعیف و فقیر جامعه در نظر گرفته‌اند، اما برای تغییر این شرایط اقدامی نکرده‌اند. با وجود نقش مهم و غیر قابل انکار مددکاران اجتماعی در حیطه توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، تاکنون مداخله‌ای به خصوص به‌صورت گروهی و با رویکرد توسعه برای ایجاد تغییر در ابعاد مهم و اساسی توانمندسازی یعنی دو بعد زیربنای روانی و اجتماعی انجام نشده است. عمده نگاه‌ها و رویکردها به مسئله زنان سرپرست خانوار نگاه از بیرون است، به نحوی که مداخله‌گر با ارائه خدمات یا اقدامات مداخله‌گرانه سعی می‌کند زن را توانمند کند. در این نوع نگاه زن سرپرست خانوار خاصیت سوژگی نخواهد داشت، بلکه به‌ایزهای برای مداخله‌گران، گروه‌ها و نهادهای توانمندساز تبدیل می‌شود. اما از نقطه نگاه مفهوم بالندی، زن سرپرست خانوار خود سوژه خودمختاری است که خود را تعالی خواهد بخشید و به عبارتی بالندگی خود را ارتقا خواهد بخشید. بالندگی خود دارای زمینه‌ها و عواملی است که در این مقاله چندان به آن پرداخته نمی‌شود. بلکه هدف نویسندگان در این مقاله شناسایی ابعاد و مولفه‌هایی است که فرد در صورت دارا بودن آن به یک شخص بالنده تبدیل خواهد شد. به دیگر معنا، هدف شناسایی ابعاد و مولفه‌های بالندگی و تولید ابزاری دقیق برای سنجش این ابعاد است.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ ماهیت، اکتشافی و از لحاظ روشی، ترکیبی است. بخش کیفی مربوط به مصاحبه با افراد صاحب‌نظر و کارشناسان فعال در نهادهای مرتبط است که داده‌های آن با استفاده از روش تحلیل تماتیک تجزیه و تحلیل و تبدیل به پرسشنامه کمی شد. در بخش کمی نیز پرسشنامه استخراج شده توسط زنان سرپرست خانوار تکمیل و با استفاده از روش‌های کمی، اعتباریابی شد. جامعه آماری در بخش کیفی پژوهش، شامل خبرگان و صاحب‌نظران حوزه زنان سرپرست خانوار است که شرط انتخاب آن‌ها، داشتن مدرک دکتری و یا داشتن شغل اجرایی و آموزشی در زمینه زنان در طول خدمت آن‌ها می‌باشد. تعداد این افراد ۱۵ نفر بود که روش نمونه‌گیری آن با استفاده از اشباع نظری صورت گرفت. در بخش کمی نیز تمام زنان سرپرست خانوار کشور را شامل می‌شود. با توجه به اینکه طبق آمار رسمی تعداد زنان سرپرست خانوار کشور حدود ۳۴۰۰۰۰۰ نفر است. تعداد نمونه به دست آمده از فرمول کوکران حدود ۳۸۴ نفر می‌باشد که به منظور کاهش خطاها و پرسشنامه ناقص و افزایش ضریب اطمینان تعداد ۵۰۰ پرسشنامه در اختیار افراد جامعه آماری قرار گرفت که در نهایت ۴۵۸ پرسشنامه به دست پژوهشگر رسید و مبنای تحلیل همان تعداد پرسشنامه قرار داده شد.

ابزار پژوهش

ابزار سنجش مورد استفاده در بخش کیفی، پرسشنامه نیمه ساخت یافته است که از مطالعات و مشورت‌های اولیه با اساتید استخراج شد. در بخش کمی نیز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. این پرسشنامه ابتدا ۶۹ سوال بود که در فرایند ارزیابی به ۶۳ سوال کاهش یافت. روایی پرسشنامه توسط اساتید و کارشناسان صاحب‌نظر مورد تأیید واقع شد و به منظور سنجش پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد.

روش اجرا. تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از طریق تحلیل مضمون^۱ انجام گرفت. در مرحله تحلیل کمی نیز از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. این آزمون با استفاده از نرم افزار SPSS 25 انجام شد. سوالات مصاحبه کیفی به شرح زیر طراحی شده است:

۱. برای بالنده بودن، زنان سرپرست خانوار می‌بایست چه توانایی‌ها و مهارت‌ها و ویژگی‌هایی داشته باشند؟ (از نظر اجتماعی، فرهنگی، علمی، تجربی، شخصیتی و...)
۲. به جز خود فرد، چه عوامل دیگری بر بالندگی زن سرپرست خانوار تاثیر دارد؟
۳. چه عواملی گذشته و حال در درون خانواده بر بالندگی زنان سرپرست خانوار تاثیر دارد؟
۴. چه عواملی به زنان کمک می‌کند که بالنده باشند؟
۵. بالندگی برای زنان سرپرست خانوار چه دستاوردهایی دارد؟

یافته‌ها

اولین اقدام در طراحی پرسشنامه، شناخت ابعاد و شاخص‌های بالندگی زنان سرپرست خانوار است. این امر از طریق انجام مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته که با متخصصان و نخبگان انجام شد، صورت گرفت. پس از انجام مصاحبه‌ها و پیاده کردن متن مصاحبه‌ها، فرایند کدگذاری شروع شد. فرایند کدگذاری در چارچوب تحلیل تماتیک و در سه سطح (کدگذاری اولیه، استخراج مقولات (مضامین) فرعی و استخراج مقولات اصلی) انجام گرفت.

از بطن مصاحبه‌های استخراج شده حدود ۱۱۳ گزاره معنادار که اشاره به بالندگی زنان دارند، استخراج شدند. این عبارات مستقیم از متن مصاحبه پیاده شده استخراج و استنباط شدند. این گزاره‌ها طبیعتاً دارای بار معنایی هستند و با توجه به محتوا و کانتکست مصاحبه، دسته‌بندی و مفهوم سازی شدند. تعداد مفاهیم اولیه ساخته شده حدود ۹۴ کد بود. این کدها در واقع داده‌های خامی هستند که برای استخراج شاخصهای اصلی و فرعی بالندگی مورد استفاده قرار گرفتند. مرحله بعد شامل دو مرحله بازبینی و تصفیه مضامین است. مرحله اول شامل بازبینی در سطح خلاصه‌های کدگذاری شده است. در مرحله دوم اعتبار مضامین در رابطه با مجموعه داده‌ها در نظر گرفته می‌شود. (براون و کلارک، ۲۰۱۶). در تحقیق حاضر تعداد مضامین فرعی که در مرحله قبل استخراج شدند حدود ۳۰ مورد بودند. این مضامین در واقع نماینده کلیه عبارات و جملاتی هستند که از متون مصاحبه‌ها استخراج شده بودند. در این مرحله مجدداً بازنگری شدند و مفاهیم و مضامین کلی‌تری شناسایی شدند. این مضامین در نهایت تبدیل به ابعاد اصلی مفهوم محوری تحقیق (بالندگی) می‌شوند. به طور کلی با توجه به مفاهیم اولیه و بررسی مجدد و چندین باره کدها، متون مصاحبه و ادبیات نظری و پیشینه تجربی، بالندگی در سه بعد کلی شامل بینش، دانش و منش مورد توافق قرار گرفت. در جدول زیر نحوه توزیع مقوله‌های فرعی و پیوندشان با مضامین اصلی مشخص شده است.

^۱ Thematic Analysis

جدول ۱. مضامین استخراج شده از مصاحبه‌ها

کد	مقوله (تم) فرعی	مقوله (تم) اصلی
۱	ایمان و عبودیت	بینش
۲	ایمان: سپر آسیب	
۳	تعالی فردی	
۴	تکریم نفس	
۵	سازشگری	
۶	حمایت خواهی	دانش
۷	حمایت مالی مقدم بر تعالی فردی	
۸	خود آگاهی	
۹	خود باوری	
۱۰	خود مدیریتی	
۱۱	خود مراقبتی	
۱۲	خود اتکایی	
۱۳	خود آگاهی	
۱۴	خود کارآمدی	
۱۵	دانش اجتماعی	
۱۶	دانش اقتصادی	
۱۷	دسترسی به منابع حمایتی	
۱۸	سرمایه اجتماعی	
۱۹	سواد و تحصیلات	
۲۰	مداخله‌گری مقدم بر حل مشکلات	
۲۱	ایفای نقش چندگانه	منش
۲۲	برنامه ریزی مبتنی بر داشته‌ها	
۲۳	بی‌ثباتی در فکر و عمل	
۲۴	تاب آور	
۲۵	تلاشگری	
۲۶	ثبات فکری و عملی	
۲۷	رشد شخصیت	
۲۸	شخصیت ضد اجتماعی	
۲۹	فاعلیت به جای انفعال	
۳۰	مطالبه‌گری	

مرحله نهایی اصلاح مضامین است و هدف «شناسایی» ماهیت «آن چیزی است که هر مضامین در مورد آن است» (براون و کلارک، ۲۰۱۶: ۹۲). مضامین چه میگویند؟ اگر مضامین فرعی وجود دارد، چگونه با مضامین اصلی ارتباط برقرار می‌کند و چگونه آنها ارتباط متقابل دارند؟ چه نوع ارتباطی بین مضامین وجود دارد؟ در این تحلیل، آنچه به عنوان مصرف موسیقی دانشجویان در نظر گرفته شده است، یک مضمون کلی است که

در مضامین دیگر ریشه دارد. مضامین قدرتمند و بانفوذ کدامند و مضامین اصلی در کدام مضامین ریشه دارد؟

تعریف هر کدام از مضامین (معمولاً مضامین اصلی) با توجه به تعاریف احتمالی نظریه پردازان؛ همچنین بر اساس یافته‌های محقق صورت می‌گیرد؛ در این بخش به تعریف و واکاوی نظری مضامین اصلی پرداخته شده است. پیوند نظری این مضامین با پژوهش‌های پیشین از طریق تعریف مضامین صورت می‌گیرد. در ادامه به تعریف سه مضامین اصلی پرداخته می‌شود:

بینش

این مضامین از ۵ مضامین فرعی تشکیل شده است. مضامین فرعی شامل ایمان و عبودیت، ایمان؛ سپر آسیب، تعالی فردی، تکریم نفس و سازشگری می‌شود. این مضامین عموماً به مسائل اعتقادی در بعد معنوی و عملی اشاره دارد. به عبارتی دیگر در این مضامین مفاهیم و گزاره‌هایی که حامل مفاهیم اعتقادی و معنوی در زنان سرپرست خانوار و انجام فرایض و شرکت در مراسمات مذهبی و دینی است استخراج شده و در کدهای فرعی فوق خلاصه شدند. بنا به باور مصاحبه شونده‌گان بخش کیفی، اعتقادات دینی و باور به خدا یکی از موضوعاتی است که نشان دهنده بالندگی زنان است:

«یعنی هر چی که حکم خداست باید به آن حکم خدا در قالب عبودیت عمل شود» (مصاحبه شماره ۱)

در بخش دیگری از مصاحبه‌ها به بعد بازدارندگی و حفاظت از خانواده اعتقاد اشاره شده است. به باور یکی از مصاحبه شونده‌گان ایمان و اعتقادات دینی می‌تواند مانع افسردگی شود.

«در خانواده های مومن و با ایمان واقعی، اعتقاد به عالم غیر مادی و توکل به خدا که یکی از سرمایه های جوامع اسلامی است، خودش مانع افسردگی میشود.» (مصاحبه شماره ۱)

تعالی فردی و شخصیتی زنان سرپرست خانوار و نوع نگرش آنها به هویت فردی و شخصیتشان می‌تواند موجب ارتقای بالندگی آنان شود. به عبارتی دیگر توسعه و رشد فضیلت و شخصیت زنان سرپرست خانوار در گرو ارتقای معنوی و جسمی آنان است:

«برای اینکه به توسعه و تعالی زنان فکر کنیم، به ابعاد جسمی، روانی و معنوی باید توجه کنیم (بایستی

هر دو بعد جسمی و معنوی را مدنظر داشته باشیم)» (مصاحبه شماره ۹)

زن سرپرست خانوار برای اینکه بتواند در مسیر تعالی و رشد و بالندگی قرار گیرد بایستی اعتماد به نفس بالایی داشته باشد. این اعتماد به نفس باید واقعی و ناشی از عزت نفس و احترام به خود باشد. یعنی بایستی جایگاه خود را در جامعه درک کند و اجازه ندهد هر موضوعی او را تحت تأثیر قرار دهد و خود را ببازد. به زعم یکی از کارشناسان زن بالنده زنی است که :

«یک تصور خوب و درست از موفقیت‌ها دارد، خودش را له نمی‌کند و برای خود احترام قائل است.» (مصاحبه

شماره ۱)

همه این مفاهیم به طور کلی نشان دهنده بینش و نگاه زنان سرپرست خانوار به زندگی و افراد و جامعه است. در واقع برخورداری زن سرپرست خانوار از یک جهانبینی درست که ترکیبی از اعتقاد و اتکال به خدا و عزت نفس و تکریم نفس می‌باشد، نشان از بالندگی و تعالی اوست.

اعمال مذهبی و معنوی از راه های گوناگون به مثابه ضربه گیر در برابر عوامل تنش زا قرار دارند. شواهد پژوهشی نشان میدهد که معنویت و دینداری، بعد مهمی از سلامت در افراد است و به زندگی معنا می‌بخشد

و به عنوان منبع کنارآمدن مهمی به شمار می‌آید و در مدیریت موقعیتها به افراد کمک میکند. از سویی دین شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد و روابط او با سایرین است (طالبان، ۱۳۸۱: ۱۶۸). باور به اینکه خدایی هست که موقعیتها را مهار میکند و ناظر بر بندگان است تا حد زیادی، اضطراب مرتبط به موقعیت را کاهش میدهد؛ به طوریکه اغلب افراد مومن، معتقدند که می‌توان از طریق اتکا و توسل به خداوند، اثر موقعیت‌های غیرقابل مهار را به طریقی مهار کرد (فونتولاکیس، سیامولی، مگیریاو کاپرینیس: ۲۰۰۸). همچنین کسانی که از نظر مذهبی در سطوح بالاتری قرار دارند، مسائلشان را با شیوه حل مسئله و همراه با حمایت اجتماعی مرتفع میکنند. داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به یاری خداوند در شرایط مشکل‌زای زندگی و بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی از جمله روشهایی است که افراد مذهبی با دارا بودن آنها در مواجهه با حوادث زندگی، آسیب کمتری را متحمل می‌شوند (سلطان‌نژاده، چابکی نژاد و فلاح، ۱۳۹۸: ۴). لذا ایمان و باورهای مذهبی به عنوان یک جهانبینی و بینش فرامادی زمینه مناسب را برای تعالی فردی و اجتماعی و بالندگی و رشد فراهم می‌کند.

دانش

دانش و آگاهی می‌تواند در دو بعد مادی و غیر مادی مورد توجه قرار گیرد. دانش و آگاهی مورد نظر کارشناسان و نخبگان مورد مصاحبه می‌تواند مربوط به شناخت فرد از خود (توانایی‌ها، روحیات و ظرفیت‌های فردی) زنان سرپرست خانوار باشد. گروه دوم از مضامین استخراج شده که تحت عنوان دانش نامگذاری شده‌اند، به آگاهی فردی زنان سرپرست خانوار نسبت به خود، محیط، جامعه و نهادهای اجتماعی و برخورداری از توانایی و مهارت‌های فکری و عملی است که در جنبه‌های مخلف زندگی روزمره می‌توانند از آن استفاده کنند.

افزایش مهارت و خودآگاهی افراد نسبت به خودشان و توانایی آنان در تنظیم هیجان‌اتشان با توانایی افراد در کنترل رفتارها و عملکرد افراد رابطه دارد. واترمن، اشوارتز و کانتی (۲۰۱۴) در پژوهشی که درباره انواع شادکامی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بین مهارت‌هایی که افراد نسبت به خود و آگاهی از خود و ارزش‌های مرتبط با خود کسب می‌کنند با سطح شادکامی آنان و شادکامی درونی آنان رابطه معناداری وجود دارد. و شادکامی درونی کمتر به تجربیات فعلی افراد، علایق، مهم بودن و فعالیت‌ها و کوشش افراد بستگی دارد. در واقع شادکامی درونی بیشتر به عواملی مانند: تمرکز بر خود و بالا بردن سطح خودآگاهی در سطح ویژگی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری بستگی دارد (جعفری، حسینی و فاضلی، ۱۳۹۷: ۴۶).

مضامین فرعی که ذیل این مضامین قرار دارند، ۱۵ مورد هستند که شامل: حمایت خواهی، حمایت مالی مقدم بر تعالی فردی، خود آگاهی، خود باوری، خود مدیریتی، خود مراقبتی، خوداتکایی، خودآگاهی، خودکارآمدی، دانش اجتماعی، دانش اقتصادی، دسترسی به منابع حمایتی، سرمایه اجتماعی، سواد و تحصیلات و مداخله‌گری مقدم بر حل مشکلات می‌شود.

آگاهی زن سرپرست خانوار نسبت به ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود می‌تواند موجب تعالی و رشدش شود. هر کسی دارای ظرفیت‌های خاص خود است. اگرچه ممکن است این ظرفیتها در نگاه اول چندان مهم به نظر نیایند اما با شناخت فرد نسبت به این ظرفیتها می‌تواند زمینه رشد و تعالی فرد را فراهم آورد:

«زن سرپرست خانوار ظرفیت های وجودی خاص خود را دارد که (شناخت آن توسط خود زنان سرپرست خانوار) عامل مهم و موثری است برای رشد و پیشرفت او.» (مصاحبه شماره ۳)

زنان سرپرست خانوار برای دستیابی به بالندگی بایستی مراقب خود باشند. خود مراقبتی تنها محدود به بعد جسمی و سلامتی نیست. بلکه زن سرپرست خانوار بایستی برای صیانت از خانواده مواظب افکار و رفتار خود باشد و مراقبت از خود همواره مقدم بر مراقبت از خانواده است:

زنان بیشتر دوست دارند مراقب دیگری باشند خودشون یادشون می رود.» (مصاحبه شماره ۱)

زن بالنده همواره شأن و منزلت اجتماعی خود را حفظ می کند. خود را در مقام یک زن مستقل و خود اتکا و در عین حال موانع و مشکلات محیط اطرافش را می شناسد. تنها تکیه گاه او خداست و با استعانت از او مشکلات را مدیریت می کند.

«از خدا در کارها کمک می گیرد و خوب می تواند مشکلاتی که بر سر راهش وجود دارد را مدیریت کند.» (مصاحبه شماره ۴)

زنی که قبل از گرفتار شدن و قرار گرفتن در موقعیت (سرپرستی خانوار) بایستی رشد یافته و دارای مهارت های زندگی و دانش و توانایی مدیریت باشد. زیرا بعد از قرار گرفتن در این شرایط مجال رد کمتر فراهم می آید. اذنا زنی که دارای پیشینه و مهارت های از پیش دریافته، در وضعیت بهتری قرار دارد و رشد و بالندگی چنین زنی همواره بالاتر است. به اعتقاد یکی از مصاحبه شوندگان:

«در زمان سرپرست خانوار شدن دیر است فکر کنیم. باید به رشد و توسعه دختران فکر کنیم. از زمانیکه به مدرسه می روند.» (مصاحبه شماره ۳)

زن سرپرست خانوار برای دستیابی به بالندگی نیازمند آموزش است. آموزش می تواند قبل و در حین سرپرست خانوار باشد. آموزش می تواند در نگاه فرد به زندگی تغییر ایجاد کند. با آموزش می توان فرد را به سمت ایجاد شغل و خوداتکایی در زمینه اقتصادی و شغلی پیش برد. زنی که دارای شغل و مهارت شغلی باشد از بالندگی بالاتری برخوردار می شود.

«آموزش برخی حلاء ها را پر می کند مثلاً آموزش مهارت های زندگی موجب رشد شود و زن را به موفقیت نزدیک می کند.» (مصاحبه شماره ۳)

امروزه یکی از الزامات برای ورود زنان و بویژه زنان سرپرست خانوار به بازار کار، برخورداری از آگاهی فردی، اجتماعی، شغلی، روحیه و فرهنگ کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری است. به کارگیری آموزش، استدلال و هدایت های مستقیم از جمله راه کارهایی است که با بهره مندی از آنها می توان سلامت عمومی (جسمانی، روانی و اجتماعی)، خودپنداره مثبت، عزت نفس و اعتماد به نفس زنان سرپرست خانواده را تضمین نمود (دفتر بین المللی کار، ۲۰۰۴). همه این موارد در بطن مصاحبه نخبگان به تفکیک اشاره شد و از آنها به عنوان شاخص بالندگی در زنان سرپرست خانوار یاد شد.

منش

منش به معنی شیوه رفتار و کردار افراد در زندگی روزمره است. زنان سرپرست خانواده و فاقد همسر با مشکل احساس تنهایی، انزوا، طرد شدگی و عدم درک از سوی دیگران مواجهند فقدان حمایت های اجتماعی مهمترین عامل جهت پیش بینی پیامدهای منفی وضعیت این زنان است. این گروه از زنان با توجه به نقش های چند گانه و مسئولیت های بسیار، غالباً وقت اضافی برای برقراری روابط اجتماعی ندارند، این موضوع به

مرور موجب طرد آن‌ها از جامعه شده و مشکلات عدیده‌ای را برایشان بوجود می‌آورد. یک طرف فرزندانشان به خاطر عدم حضور همه جانبه سرپرست دچار مشکل می‌گردند و از طرف دیگر، خود سرپرستان به خاطر تأمین مایحتاج خانواده در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. به عبارتی منش و رفتار زنان سرپرست خانواده با خانواده‌های دیگر متفاوت است. در نهایت زنان سرپرست خانواده که توانایی اداره اقتصادی خود و خانواده را ندارند، دچار نوعی انزوای اجتماعی شده و در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند. (بختیاری و محبی، ۱۳۸۶) زنانی که سرپرستی خانواده‌ای را به عهده گرفته‌اند بدون اینکه مهارت‌های زندگی را خوب آموخته باشند و جامعه فاقد سرمایه‌های اجتماعی مناسب که بتوانند به این زنان در حل مشکلات و مسائلی که برای اولین بار با آن مواجه می‌شوند یاری رسانند، نداشتن منابع اقتصادی مناسب منجر به ایجاد یک سری مسائل و مشکلات اجتماعی می‌کند که ممکن است باعث به انحراف کشیدن این زنان می‌گردد.

این مضامین دارای ۱۰ مقوله فرعی است. مقوله‌های این مضامین شامل: ایفای نقش چندگانه، برنامه‌ریزی مبتنی بر داشته‌ها، بی‌ثباتی در فکر و عمل، تاب آور، تلاشگری، ثبات فکری و عملی، رشد شخصیت، شخصیت ضد اجتماعی، فاعلیت به جای انفعال و مطالبه‌گری است.

زن بالنده همواره دارای ثبات در فکر و عمل است. در تصمیمات زندگی به خودش متکی است. به باور متخصصان اتکا به خود و تصمیم‌گیری در زنان سرپرست خانوار یکی از شاخص‌های بالندگی است:

«خواستش به این باشد تکلیفش با خودش روشن باشد سعی کند بر اساس انتخاب تصمیم‌گیری خودش عمل کند.» (مصاحبه شماره ۱)

متعادل بودن در تفکر یکی از ویژگی‌های زن بالنده است. به این معنی که زن سرپرست خانوار همیشه حد وسط و معمول را داراست. سعی می‌کند از افراط و تفریط در هر گونه رفتار و افکاری دوری کند. یکی از کارشناسان با اشاره به ضعف زنان سرپرست خانوار از لحاظ ثبات فکری، آن را به عنوان یکی از مشکلات آنان می‌داند و بر خورداری از آن منجر به بالندگی می‌شود:

«خیلی وقت‌ها ریشه مشکلات ریشه در تفکرات دارد. یعنی بعضی از این‌ها و بوم افتادن بعضی از آن طرف بوم؛ چون درست نمی‌توانند فکر کنند یا بلد نیستند فکر کنند و تفکرات بی‌ثبات دارند.» (مصاحبه شماره ۵)

مطالبه‌گری به معنی درخواست و پیگیری حق و حقوق و خواسته‌های فرد از جامعه و نهادهاست. زنان سرپرست خانوار همواره به دنبال مطالبه حقوق خود از مبادی و منابع مربوطه هستند. این نوع مطالبه‌گری توأم با حفظ عزت و جایگاه شخصیتی آنهاست:

«زن متعادل پلی برای عبور دیگران نمی‌شود نیازش را بدون ذلت بیان می‌کند از حقش دفاع می‌کند.» (مصاحبه شماره ۲)

زنان سرپرست خانوار پس از آنکه سرپرستی خانواده را به عهده می‌گیرند. ناچار به ایفای نقش‌های متعدد هستند. زن سرپرست خانوار بالنده زنی است که در ایفای نقش‌های متعدد دچار تضاد نخواهد شد. نقش‌های توأمان گاهی ممکن است زن را با بحران هویتی مواجه کند اما تقلیل و تضعیف این حس را می‌توان یکی از نمودهای بالندگی دانست:

«به جز زنانگی - مادر فرزندی، تهیه پخت و پز، نظافت و رسیدگی به وضعیت بچه‌ها و دارند نقش پدر هم بازی می‌کنند.» (مصاحبه شماره ۴)

یکی دیگر از مقولاتی که ذیل مضامین منش تعریف شد، به فاعلیت و اقدام پیوسته زن برای بهبود زندگی اشاره دارد. زن بالنده خود را در گوشه خانه حبس نمی‌کند به امید اینکه از طرف دیگران کمکی به او برسد. بلکه از هر مفری برای تعالی خانواده و پیشرفت فرزندان استفاده می‌کند. یکی از مصاحبه شونده‌گان اینگونه به موضوع می‌پردازد:

«زن بالنده زنی است که منفعل نباشد و منتظر حمایت نباشد و فردی فعال باشد و راه حل مشکل را بداند و مستقل باشد.» (مصاحبه شماره ۵)

به طور کلی رفتار و عمل زنان سرپرست خانوار می‌تواند نقشی تعیین کننده در تعالی و رشد فردی، اخلاقی و اجتماعی داشته باشد. همانطور که از متون مصاحبه‌ها استنباط شد، زنان سرپرست خانوار برای رسیدن به بالندگی و تعالی، بایستی دارای منش، عمل و تفکر بالنده باشند. منش به عنوان سومین شاخص بالندگی به ابعاد عملی و کنشی مربوط است که جنبه اجرایی و عینی دارند و نتایج آن را می‌توان به شکل عینی مشاهده نمود.

ساخت و اعتباریابی پرسشنامه

پس از تحلیل مصاحبه‌ها و استخراج ابعاد و شاخص‌های بالندگی زنان سرپرست خانوار، اقدام به طراحی پرسشنامه نمودیم. نسخه اولیه پرسشنامه در اختیار اساتید قرار گرفت و پس از چند بار اصلاح و تعدیل سوالات، در اختیار ۳۰ نفر از اعضای جامعه آماری قرار گرفت. هدف از این کار بدست آوردن مقدار همبستگی درونی گویه‌ها در ابعاد استخراج شده بود. لذا بعد از آزمون آلفای کرونباخ مجدداً بعضی سوالات اصلاح و چند سوال نیز حذف شدند. نسخه نهایی در ۶۳ سوال تنظیم شد. در نهایت پرسشنامه برای توزیع در بین اعضای نمونه آماری بر روی وب قرار گرفت. پس از جمع آوری داده‌ها ابتدا اقدام به اعتباریابی پرسشنامه نمودیم. این امر از طریق تحلیل عاملی تأییدی صورت گرفت. نتیجه این آزمون به تفکیک مراحل انجام آن در این بخش ارائه شده است.

اولین و مهمترین نکته در بکارگیری تحلیل عاملی، محاسبه ماتریس همبستگی است. برای این کار باید مشخص شود که آیا هدف محاسبه همبستگی بین متغیرهاست یا بین پاسخگویان.

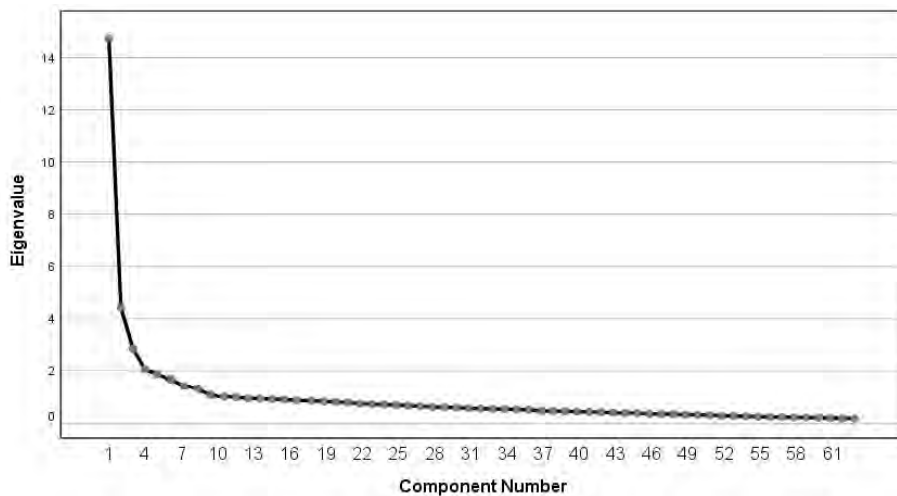
ماتریس داده‌ها برای تحلیل عاملی باید حاوی اطلاعات معناداری باشد. معناداری موجود در یک ماتریس از طریق آزمون مربع کای دو و بارتلت صورت می‌گیرد. معنادار بودن کای دو و آزمون بارتلت حداقل شرط لازم برای تحلیل عاملی است. در آزمون بارتلت فرض صفر این است که متغیرها فقط با خودشان همبستگی دارند. رد فرض صفر حاکی از آن است که ماتریس همبستگی دارای اطلاعات معنادار است و حداقل شرایط لازم برای تحلیل عاملی وجود دارد. این آزمون را آزمون کرویت نیز گویند. ماتریس همبستگی کمک می‌کند تا عوامل مشترک شناسایی شود. اگر همبستگی بین متغیرها کوچک باشد، غیرمحمتمل است که آنها در عوامل مشترک باهم سهیم باشند. آزمون کرویت بارتلت می‌تواند برای آزمایش این فرضیه صفر به کار گرفته شود که ماتریس همبستگی برابر با یک ماتریس واحد است. اگر فرض صفر مبنی بر اینکه ماتریس همبستگی جامعه آماری یک ماتریس واحد است، رد نشود. در این صورت نمی‌توان از تحلیل عاملی استفاده کرد. یکی دیگر از طرق تعیین مناسب بودن مجموعه‌ای از متغیرها در ماتریس همبستگی برای تحلیل عاملی، استفاده از شاخص KMO شاخصی از کفایت نمونه گیری است که کوچک بودن همبستگی جزئی بین متغیرها را بررسی می‌کند و از این طریق مشخص می‌سازد آیا واریانس متغیرهای تحقیق تحت

تاثیر واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهانی و اساسی است یا خیر. این شاخص بایستی بالاتر از ۰,۷۰ باشد تا بتوان اطمینان بیشتری در مورد مناسب بودن تحلیل عاملی داشته باشیم. در این تحقیق مقدار آن برابر است با ۰,۷۷۵ و سطح معناداری آن نیز برابر است با ۰,۰۰۰ که با اعتماد ۹۹ درصد می‌توان مقدار KMO را تأیید نمود. در مرحله بعد تحلیل عاملی تأییدی، جهت بررسی و شناسایی عوامل اصلی و کشف و آشکارسازی ویژگی‌های خاص و روابط آنها انجام شد. جهت تعیین میزان تبیین واریانس هرگویه با تحلیل در آزمودنی‌های پژوهش، از اشتراکات استفاده شد.

جدول ۲. مضامین استخراج شده از مصاحبه‌ها

مولفه	ارزش اولیه ویژه			استخراج مجموع از بارهای مجذور شده			چرخش مجموع بارهای مجذور شده		
	کل	درصد	درصد تجمعی	کل	درصد	درصد تجمعی	کل	درصد	درصد تجمعی
۱	۱۴/۷۳	۲۳/۳۹	۲۳/۳۶	۱۴/۷۳	۲۳/۳۹	۲۳/۳۶	۵/۸۹	۹/۳۵	۹/۳۵
۲	۲/۸۳	۱۱/۵۰	۳۴/۹۰	۲/۸۳	۱۱/۵۰	۳۴/۹۰	۷/۸۴	۱۲/۴۴	۲۱/۸۰
۳	۱/۸۶	۷/۶۳	۴۲/۵۳	۱/۸۶	۷/۶۳	۴۲/۵۳	۷/۵۰	۱۱/۹۱	۳۳/۷۲
۴	۱/۵۰	۶/۲۱	۴۸/۷۵	۱/۵۰	۶/۲۱	۴۸/۷۵	۶/۰۱	۹/۵۴	۴۳/۲۶
۵	۱/۱۷	۵/۸۵	۵۴/۶۰	۱/۱۷	۵/۸۵	۵۴/۶۰	۵/۸۰	۹/۲۰	۵۲/۴۷
۶	۱/۱۰	۳/۲۶	۵۷/۸۷	۱/۱۰	۳/۲۶	۵۷/۸۷	۲/۸۵	۴/۴۵	۵۷/۰۰
۷	۱/۰۲	۱/۷۵	۵۹/۶۲	۱/۰۲	۱/۷۵	۵۹/۶۲	۱/۶۵	۲/۶۲	۵۹/۶۳

همانطور که مشاهده می‌شود، جدول فوق سه بخش دارد: یک سوم راست جدول، مقادیر ویژه اولیه را دربر دارد، در مقادیر ویژه تمام عوامل ممکن، عوامل برحسب اینکه هرکدام چه مقدار از واریانس را تبیین میکنند رتبه بندی شده‌اند. شصت و سه عامل احتمالی وجود دارد؛ یعنی به همان تعدادی که گویه وارد تحلیل شده است؛ اما این بدین معنی نیست که هر گویه، یک عامل است. برای هر عامل، به دنبال مجموع واریانسی که تبیین می‌کند (مقدار ویژه)، واریانس تبیین شده بر حسب درصدی از کل واریانس و سپس درصد تراکمی آمده است. یک سوم وسط جدول حاوی اطلاعات در مورد عواملی است که دارای مقدار ویژه بزرگتر از ۱ هستند که در این جدول هفت عامل هستند. همانطور که ملاحظه می‌شود مجموع این ۷ عامل نزدیک به ۶۰ درصد (۵۹,۶۳٪) واریانسها را تبیین می‌کنند. بیشترین مقدار واریانس مربوط به عامل اول (۲۳,۳۹) . کمترین واریانس مربوط به عامل هفتم (۱,۷۵) است؛ در جدول ۳ عامل‌ها در حالت چرخش یافته نشان داده شده‌اند.



شکل ۱. نمودار اسکری پلات

جدول ۳. بار عاملی پس از چرخش

مولفه‌ها							گوبه‌ها
عامل هفتم	عامل ششم	عامل پنجم	عامل چهارم	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	
۰.۰۹۷	۰.۱۶۹	۰.۷۰۴	-۰.۰۶	۰.۱۹۱	۰.۰۲۶	۰.۰۶۷	از انجام فرایض دینی روزمره غافل نمی شوم
۰.۰۹۲	۰.۰۲۵	۰.۷۸۱	۰.۰۲۸	۰.۰۶۶	۰.۱۴۹	۰.۰۸۰	در مناسبات و مراسمات مذهبی (نماز جماعت، عزاداری و...) شرکت فعال دارم.
۰.۰۷۳	۰.۰۴۵	۰.۵۹۶	-	۰.۳۹۳	۰.۱۲۷	۰.۱۷۸	به نظر من تحمل مشکلات برای کسانی که ایمان قلبی دارند آسان تر است.
۰.۰۰۸	-۰.۰۲۳	۰.۵۴۶	۰.۰۶۷	۰.۴۳۰	۰.۰۹۸	۰.۰۹۲	ایمان به خدا و اعتقادات دینی مانع از افسردگی و مشکلات روانی می شود.
۰.۰۹۶	۰.۱۳۳	۰.۶۲۷	-۰.۰۵	۰.۵۳۸	۰.۱۸۶	۰.۳۱۳	همیشه خدا را به خاطر آنچه داده و حتی نداده، شاکرم
۰.۱۶۳	۰.۰۹۵	۰.۲۰۱	۰.۰۵۹	۰.۵۷۶	۰.۲۰۵	۰.۲۷۷	هیچگاه حاضر نیستم در مقابل ظلم سر خم کنم
۰.۰۹۵	۰.۱۱۵	۰.۲۴۳	۰.۰۲۳	۰.۴۷۴	۰.۰۹۸	۰.۴۲۵	حقوق و جایگاه خودم را می شناسم و به کسی اجازه نمی دهم وارد حریم شخصی من شود.
۰.۰۴۱	-۰.۶۵۶	-۰.۰۸	-۰.۱۵	۰.۳۴۸	-۰.۰۹	-۰.۱۹	گاهی باید از سر ناچاری و برای دسترسی به موقعیتهای بهتر تن به خواسته های دیگران داد.
-۰.۰۴۳	۰.۰۳۹	-۰.۰۱	-۰.۰۲	۰.۷۵۱	۰.۱۶۹	۰.۰۳۹	با سیلی صورت خود را سرخ میکنم تا کسی به فقر من پی نبرد و سو استفاده نکند
۰.۰۶۲	۰.۱۲۱	۰.۱۶۰	۰.۰۸۳	۰.۷۶۸	۰.۱۲۵	۰.۱۷۱	به داشته های خودم قانعم و به خاطر فقر خود را نزد دیگران کوچک نمی کنم.
۰.۰۹۱	۰.۰۴۰	۰.۳۴۰	۰.۰۵۴	۰.۵۳۹	۰.۰۰۴	۰.۳۴۷	به خودم احترام میگذارم و سعی می کنم احترام دیگران را جلب کنم.

۰.۰۶۴	-۰.۲۱۶	۰.۲۵۰	-۰.۰۴	۰.۳۷۹	۰.۱۱۸	۰.۲۸۱	برایم مهم نیست دیگران درباره من چگونه فکر می‌کنند.
۰.۰۵۹	-۰.۰۲۳	۰.۱۷۸	۰.۱۰۱	۰.۴۴۶	۰.۵۶۷	۰.۴۳۷	به اینکه آینده زندگی خود را در دست بگیرم ایمان دارم.
-۰.۰۴۵	۰.۲۹۵	-۰.۰۹	۰.۲۶۴	۰.۰۶۷	۰.۳۷۷	۰.۱۵۳	نمی‌توانم به تنهایی زندگی را مدیریت کنم.
۰.۱۰۴	-۰.۱۳۳	۰.۰۷۶	-۰.۲۶	۰.۰۸۳	۰.۳۴۴	۰.۰۲۴	گاهی اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهم.
۰.۰۳۷	۰.۰۲۳	۰.۰۶۹	۰.۲۶۱	۰.۲۴۵	۰.۵۳۵	۰.۲۷۶	من دارای توانایی‌هایی هستم که می‌توانم به کمک آن زندگی را مدیریت کنم
-۰.۰۷۳	۰.۳۲۰	۰.۱۸۰	۰.۰۸۲	۰.۱۰۰	۰.۳۲۹	۰.۲۸۶	اگر ناچار شوم برای تامین معاشم حاضرم صیغه شوم
۰.۲۰۸	-۰.۱۱۸	۰.۰۰۴	۰.۱۳۵	۰.۱۵۴	۰.۵۶۰	۰.۱۷۶	من در کنار توجه به نیازهای بچه‌هایم به نیازهای خودم نیز توجه دارم
۰.۰۱۱	۰.۲۶۳	-۰.۱۳	۰.۳۱۹	۰.۰۱۳	۰.۴۹۲	۰.۰۵۰	دیگره برام مهم نیست که ظاهر منظمی داشته باشم و به خودم برسیم، اولویتم بچه‌هایم هستند.
۰.۰۷۴	-۰.۰۶۰	۰.۱۰۶	۰.۲۴۲	۰.۰۶۶	۰.۵۷۶	۰.۴۰۴	به نشاط و شادی خودم هم توجه دارم.
۰.۰۲۴	۰.۰۸۶	۰.۰۶۹	۰.۱۲۳	۰.۱۷۶	۰.۴۲۰	۰.۳۱۰	زن سرپرست خانوار نباید کنج‌خانه بنشیند و دلش بپوسد.
۰.۱۰۳	۰.۱۳۶	۰.۰۰۹	۰.۰۲۸	۰.۲۰۸	۰.۳۴۹	۰.۲۸۱	من هم مانند بچه‌هایم حق نشاط و زندگی شاد دارم.
-۰.۰۰۹	۰.۲۵۴	-۰.۰۰	۰.۳۱۹	-۰.۰۱	۰.۴۵۴	۰.۲۳۰	نقاط ضعف و قوت خودم را خوب نمی‌شناسم
۰.۱۶۲	۰.۰۹۹	۰.۰۶۵	۰.۲۹۴	۰.۱۹۱	۰.۵۶۷	۰.۲۶۶	من مهارت‌هایی دارم و نسبت به آنها آگاهم و میدانم کجا بکارم می‌آیند.
۰.۰۷۲	-۰.۰۱۴	۰.۱۱۶	-۰.۰۵	۰.۱۴۱	۰.۷۰۵	۰.۱۲۴	به مشکلات زندگی اشراف کامل دارم.
۰.۱۳۲	۰.۰۷۴	۰.۱۵۴	۰.۰۷۹	۰.۰۸۲	۰.۶۷۲	۰.۲۹۰	می‌توانم فرصت‌ها را شناسایی کنم و به بهترین نحو از آن استفاده کنم.
۰.۵۹۰	۰.۰۴۷	۰.۱۰۶	۰.۱۱۳	۰.۱۰۰	۰.۱۳۲	۰.۲۰۹	به مسائل روز آگاهم.
۰.۵۸۴	-۰.۰۰۶	۰.۰۳۵	۰.۱۶۸	۰.۱۰۷	۰.۱۲۰	۰.۲۰۵	دانش کافی برای مدیریت اقتصاد خانواده دارم.
۰.۲۲۳	-۰.۰۹۶	۰.۱۲۳	-۰.۴۹	-۰.۰۴	-۰.۰۸	-۰.۰۳	در صورت نیاز به منابع مالی نمی‌دانم چگونه اقدام کنم
۰.۶۰۵	-۰.۰۲۱	۰.۱۱۶	-۰.۰۴	-۰.۰۲	۰.۰۹۵	۰.۱۵۳	کمیته امداد را می‌شناسم و اگر لازم باشد از آنها کمک می‌گیرم.
۰.۶۰۹	۰.۱۱۸	۰.۲۲۲	-۰.۲۱	۰.۰۴۱	-۰.۰۲	۰.۱۲۸	گاهی برای دریافت کمک به بهزیستی مراجعه می‌کنم.
۰.۶۴۲	-۰.۰۱۴	۰.۰۱۸	۰.۲۳۷	۰.۱۱۶	۰.۳۱۴	۰.۱۰۳	کلینیک مددکاری و پایگاه خدمات اجتماعی را می‌شناسم.
۰.۷۴۹	۰.۰۴۸	۰.۰۱۹	۰.۱۶۲	۰.۱۵۸	۰.۱۱۱	۰.۱۱۸	با مددکاران نهادهای حمایتی در ارتباطم.
۰.۳۱۶	-۰.۲۴۱	۰.۰۴۱	۰.۴۲۲	۰.۰۰۹	۰.۲۴۱	۰.۱۴۷	دوستان زیادی دارم و تعامل مداوم با افراد متفاوت دارم
۰.۱۴۲	-۰.۲۷۲	۰.۱۶۱	۰.۵۴۲	-۰.۱۷	۰.۱۶۶	۰.۰۶۹	به دیگران اعتماد دارم

۰.۱۲۴	۰.۰۸۰	۰.۲۴۸	۰.۵۸۹	۰.۱۵۱	۰.۲۰۴	۰.۲۸۹	سعی میکنم جایگاه واقعی خود در جامعه را حفظ کنم.
-۰.۰۷۵	۰.۲۱۲	-۰.۰۳	۰.۳۵۰	-۰.۰۳	-۰.۰۹	-۰.۰۹	مهم نیست دیگران من را چه اندازه قبول دارند چون من به کسی اعتماد ندارم
۰.۰۱۸	۰.۰۶۸	۰.۱۲۰	۰.۶۶۶	۰.۰۶۷	۰.۱۳۶	۰.۲۱۰	دوست دارم تحصیلاتم را ادامه دهم یا حداقل دانش جدید کسب کنم.
۰.۰۲۰	-۰.۰۲۷	۰.۱۳۶	۰.۲۲۹	۰.۱۵۰	۰.۰۱۸	۰.۲۰۰	اگر تحصیل کرده بودم الان شرایط بهتری داشتم.
۰.۱۰۹	۰.۱۰۳	۰.۱۲۹	۰.۴۶۳	۰.۱۱۱	۰.۱۲۵	۰.۴۰۰	دوست دارم مهارت‌های شغلی و حرفه ای بیشتری یاد بگیرم.
۰.۰۵۰	۰.۲۴۵	-۰.۰۳	۰.۵۹۱	-۰.۰۷	۰.۲۴۴	۰.۱۲۴	مشکلات زندگیم آنقدر زیاد هست که چندان به فکر یادگیری و ارتقای مهارت های جدید نباشم.
۰.۱۳۲	۰.۰۱۰	-۰.۰۲	-۰.۰۸	۰.۲۱۴	۰.۰۹۰	۰.۶۴۵	هیچگاه اجازه نداده ام فرزندانم نبود در را احساس کنند.
-۰.۱۳۱	۰.۰۲۵	-۰.۱۵	۰.۱۴۱	-۰.۰۸	-۰.۰۳	۰.۵۹۱	گرفتاری های کاری و مالی باعث شده صرفا نان آور خانواده باشم.
۰.۰۵۳	۰.۰۲۲	۰.۱۰۴	۰.۰۲۲	۰.۰۵۲	۰.۱۰۱	۰.۵۴۸	تأمین نیاز عاطفی مقدم بر نیاز مالی فرزندانم است.
۰.۱۷۴	-۰.۱۴۶	۰.۰۶۹	۰.۳۰۸	۰.۰۹۵	۰.۰۳۳	۰.۶۱۲	علاوه بر مسئولیتم به عنوان سرپرست و والد در فعالیتهای گروهی و اجتماعی هم شرکت می کنم.
-۰.۰۷۰	۰.۰۱۴	۰.۱۶۷	-۰.۰۳	۰.۰۵۰	۰.۱۰۳	۰.۷۱۸	فرزندانم علاقه و استعداد خوبی به تحصیلات دارند.
۰.۱۱۷	-۰.۰۴۴	۰.۰۳۷	۰.۲۱۲	۰.۰۴۹	۰.۰۷۰	۰.۳۳۹	به فرزندانم در تکالیف درسیشان کمک می کنم.
۰.۱۰۴	۰.۱۴۶	۰.۱۲۶	۰.۱۵۱	۰.۱۴۱	۰.۰۲۲	۰.۶۸۱	بدون آنکه به دیگران آسیبی بزنم حقوق خودم را پیگیری می کنم.
۰.۰۹۵	۰.۲۸۰	۰.۰۷۷	۰.۱۰۵	۰.۱۰۷	-۰.۰۸	۰.۵۸۰	گاهی لازم است از حق دیگران گذشت تا به حق خود برسی
۰.۱۰۷	۰.۰۲۷	-۰.۰۷	۰.۲۲۹	۰.۰۷۶	۰.۲۰۰	۰.۶۵۰	جرات و جسارت کافی برای تغییر در زندگیم دارم.
۰.۱۴۸	۰.۰۹۵	۰.۰۴۰	۰.۱۵۴	۰.۱۵۲	۰.۱۷۴	۰.۶۷۰	اقدام و عمل میکنم و دست روی دست نمیگذارم
۰.۰۱۱	۰.۱۷۰	۰.۱۴۷	۰.۲۰۴	۰.۲۱۲	۰.۱۳۳	۰.۶۰۷	انسان باید به دنبال توسعه و رشد خود و خانواده باشد.
۰.۱۱۶	۰.۴۲۷	-۰.۰۶	-۰.۰۶	۰.۱۰۸	۰.۱۰۷	۰.۳۵۰	در مقابل دیگران کم می آورم و زود تسلیم تصمیم آنها می شوم.
۰.۰۵۵	۰.۶۳۴	-۰.۰۸	-۰.۰۷	۰.۱۹۶	۰.۲۷۶	۰.۲۳۴	خودم برای خودم تصمیم می گیرم.

۰.۰۷۰	۰.۳۷۱	۰.۰۹۵	۰.۱۵۳	۰.۱۲۷	۰.۲۳۸	۰.۳۵۴	هدف مشخصی در زندگی ندارم و ناچارم به دیگران پناه ببرم تا در انتخاب اهدافم کمک کنند.
-۰.۰۳۲	۰.۱۷۲	-۰.۰۲	-۰.۰۰	-۰.۰۳	۰.۰۲۹	۰.۰۷۷	تحت تأثیر شرایط نظم نسبت به مسائل عوض میشود.
۰.۰۰۶	۰.۲۰۹	۰.۰۲۹	۰.۱۶۳	۰.۰۳۱	۰.۰۰۹	-۰.۰۳	زمانی که با یک مشکل مواجه می‌شوم عصبی می‌شوم.
۰.۰۸۳	۰.۴۶۵	۰.۱۳۲	۰.۰۹۵	۰.۱۰۳	۰.۳۸۷	۰.۲۷۸	در حد توانم تلاش میکنم و به تلاش خودم باور دارم.
۰.۱۳۳	۰.۵۷۵	۰.۰۸۹	-۰.۰۳	۰.۲۶۱	۰.۲۱۹	۰.۳۷۰	به نظر من اگر تلاش کنی خدا هم کمکت میکند که موفق شوی
۰.۲۲۲	۰.۳۷۰	۰.۰۲۱	۰.۰۰۸	۰.۲۵۶	۰.۰۸۸	۰.۲۲۰	بی رغبتی به کار و احساس سرخوردگی باعث شکست می‌شود.
-۰.۰۵۹	۰.۴۷۵	۰.۱۰۴	۰.۰۴۱	۰.۰۰۶	۰.۱۷۵	۰.۰۷۵	جامعه باعث بدبختی امثال من است.
-۰.۰۵۱	۰.۵۱۷	۰.۲۳۷	۰.۰۶۶	۰.۲۱۶	۰.۱۵۰	۰.۰۷۳	هرچقدر دلم بخواهد رفتار می‌کنم و عرف و قوانین جامعه هیچ دردی از من دوا نمیکند.
۰.۱۱۱	۰.۵۶۳	۰.۲۷۸	۰.۴۰۲	۰.۰۶۲	۰.۰۱۲	۰.۱۳۷	علاقه ای به مشارکت در کارهای گروهی و اجتماعی ندارم. دوست دارم تو لاک خودم باشم.

در جدول فوق نتایج چرخش واریماکس سوالات تحقیق نشان داده شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود سوالات تحقیق در ۷ فاکتور دسته بندی شدند. پس از استخراج فاکتورها و مرور مجدد سوالات با مراجعه مجدد به متن مصاحبه‌های کیفی و نظریه‌های مورد بررسی در فصل دوم، اقدام به نامگذاری عوامل نمودیم. این عوامل در واقع همانا ابعاد بالندگی زنان سرپرست خانوار را نشان می‌دهد. ابعاد بالندگی که از پرسشنامه استخراج شده است به تفکیک سوالات آن به شرح جدول زیر است. در نهایت پرسشنامه تهیه شده از طریق آزمون آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. هدف از این آزمون سنجش پایایی پرسشنامه و همبستگی درونی سوالات پرسشنامه در ابعاد هفتگانه فوق است. نتایج این آزمون در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۴. مقادیر آلفای کرونباخ شاخص‌های بدست آمده

شاخص اصلی	شاخص فرعی	تعداد سوالات	مقدار آلفای فرعی	مقدار آلفای اصلی
بینش	ایمان	۵	۰,۷۳۱	۰,۷۲۸
دانش	تکریم نفس	۷	۰,۷۴۶	۰,۷۶۵
	شناخت خود	۱۴	۰,۸۵۰	
منش	شناخت محیط	۷	۰,۷۴۴	۰,۷۵۶
	مهارت زندگی	۸	۰,۷۰۴	
	چندنقشی بودن	۱۱	۰,۷۳۶	
	مدیریت رفتار	۱۱	۰,۷۱۹	

همانطور که ملاحظه می‌شود تمامی ابعاد فرعی پرسشنامه از لحاظ همبستگی درونی سوالات آلفای قابل قبولی (بالتر از ۰,۷۰) را کسب نموده‌اند. لذا پرسشنامه طراحی شده از پایایی کافی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

همانطور که در ابتدا اشاره شد، تاکنون الگوی منظم و یکپارچه‌ای برای بررسی و شناخت بالندگی زنان سرپرست خانوار انجام نگرفته است. بر همین منوال، الگوی نظری و تجربی هم برای بالندگی زنان سرپرست خانوار طراحی نشده است. نبود این مطالعات طبیعتاً حکایت از فقدان ابزار سنجش بالندگی زنان سرپرست خانوار مسلمان ایرانی نیز هست. لذا محقق در این تحقیق جسورانه قدم در راه طراحی یک الگوی بومی برای شناخت بالندگی زنان گذاشت. پیش نیاز این کار، طراحی و ساخت ابزار سنجش است. در صفحات پیشین فرایند طراحی و اعتباریابی ابزار سنجش تشریح شد. لذا در این بخش به بررسی الگوی طراحی شده پرداخته شده است. ابزار سنجش بالندگی زنان سرپرست خانوار که همانا پرسشنامه ۶۳ سوالی است، در مرحله تحلیل عاملی اکتشافی به ۷ شاخص فرعی تقسیم شد. اما بر اساس متون مصاحبه کیفی این شاخص‌ها در ۳ شاخص عمده‌تر خلاصه شدند. در واقع می‌توان گفت بالندگی زنان دارای سه بعد بینش، دانش و منش است. که هرکدام از این ابعاد دارای شاخص‌های مجزا هستند. در این بخش به تفسیر این ابعاد با مراجعه به ادبیات نظری پرداخته شده است. مطابق الگوی ساختاری استخراج شده از طریق نرم‌افزار AMOS بعد بینش دارای بار عاملی ۰,۷۶ است. در واقع این بعد از بالندگی دارای بار عاملی مناسبی است. لذا می‌توان گفت این بعد یکی از ابعاد بالندگی به حساب می‌آید. دو شاخص تکریم نفس و ایمان نیز در ارتباط با بعد بینش دارای بار عاملی بسیار قوی و قابل قبولی هستند. تکریم نفس با بار عاملی ۱ و ایمان با بار عاملی ۰,۸۳ میزان قابل قبولی را نشان دادند.

توجه به معنویت زنان سرپرست خانوار برای زن مسلمان ایرانی امر مهمی است که وجوب آن لازم است. تجربه باورهای اعتقادی و مذهبی و گرایش به معنویت احتمال می‌رود بتواند در کیفیت تجربه طلاق تاثیر بسزایی داشته باشد (واندر جلسما، دت وریس شوت، دی چونگ، هارتمن، ویلس و همکاران، ۲۰۱۵). معنویت یکی از فضیلت‌های بینش است که می‌تواند سبک‌های کنار آمدن و استراتژی‌های حل مساله را متاثر کند و به عنوان یک منبع حمایتی درونی، انسان را در برابر سردرگمی‌ها و مصیبت‌ها محافظت کرده و احساسی از معنا در قلبشان ایجاد کند و به افراد یک احساسی از کنترل غیر مستقیم بر روی پیشامدها می‌دهد. این بعد وجود انسان فطری و ذاتی است و با توجه به رشد و بالندگی انسان که در نتیجه انجام تمرینات و مناسک دینی متحول شده، ارتقا می‌یابد. معنویت عبارت است از تظاهرات بیرونی ناشی از فعالیت درونی روح بشر و جنبه‌ای از وجود انسان است که به فرد انسانیت می‌بخشد. این اصطلاح شامل ابعاد اساسی مانند جستجوی معنا، هدف، شناخت تعالی خویشتن، روابط معنی دار و هدفمند، عشق، ایمان و احساس خداجویی (خالقی پور، مسجدی و احمدی، ۱۳۹۵). بنابر این اتخاذ تدابیر و راهبردهای معنوی و تعامل آن با بهداشت فردی و روانی امری است پیچیده و پویا که به زندگی انسان معنا و جهت می‌دهد (او من و تو رسن، ۲۰۰۳): آموزش معنویت به معنای کمک به فرد است که خویشتن واقعی را بیابد و از جدایی از خویشتن واقعی به اتصال برسد. افرادی که در حیطه معنوی به صورت سالم پرورش می‌یابند احتمال بیشتری دارد که در حیطه‌های دیگری زندگی نیز موفق باشند. علاوه بر این در اثر آموزش معنویت مراجعان هویت خود را مورد تایید و

شناسایی قرار می‌دهند، از خداوند رهنمود و ارشاد می‌خواهند تا آنان را در کنار آمدن با مشکلات کمک کند و به آن‌ها امیدواری بدهد و از جامعه مذهبی خود حمایت اجتماعی، عاطفی و مادی دریافت می‌کنند و در نهایت به تعالی و بالندگی دست پیدا کنند.

دومین بعد از بالندگی مربوط به دانش و اطلاعات فرد نسبت به خود و محیط زندگی خویش است. همچنین این نوع دانش مربوط به نحوه ارتباط با دیگران و ارتقای مهارت‌های زندگی نیز هست. در الگوی بدست آمده دانش با بار عاملی ۰,۹۳ نشان داد که این مقوله نشان دهنده یکی از ابعاد بالندگی زنان سرپرست خانوار است. شاخص‌های مربوط به این بعد نیز به ترتیب شامل دانش با بار عاملی ۰,۹۳، شناخت محیط با بار عاملی ۰,۹۵ و مهارت‌های زندگی با بار عاملی ۰,۹۲ نشان دادند که این شاخص‌ها به خوبی بعد دانش را پوشش می‌دهند.

خودآگاهی، یکی از مهارت‌های زندگی است که بر ارتقاء سلامت روان و کیفیت زندگی افراد تأثیر قابل توجهی دارد. خودآگاهی به معنای توانایی شناخت خود و آگاهی از خصوصیات، نقاط ضعف و قوت، خواسته‌ها، ترس‌ها و انزجارهاست (تراویس و اراندر، ۲۰۰۴)؛ افرادی که خودآگاهی بیشتری دارند در مواجهه با مشکلات زندگی با توجه به شناختی که از ویژگی‌های خود دارند واکنش‌های بهتری نشان می‌دهند (اون‌اسورث و همکاران، ۲۰۰۲). این افراد اگر با شکست نیز مواجه شوند، عدم موفقیت را ناشی از ویژگی‌های بد خود نمی‌دانند و با تأکید بر نقاط قوت خود، در جهت یافتن راه حلی که به موفقیت منجر شود گام بر می‌دارند (نادلر، ۱۹۸۳)؛ همدلی دیگر مهارت زندگی است که با ایجاد رفتارهایی در فرد، می‌تواند کیفیت زندگی را ارتقاء دهد. همدلی به معنای توانایی درک و مشترک شدن با احساسات دیگران با مشاهده وضع حال و هیجان‌های آنان است. به عبارتی دیگر، همدلی به معنای خود را به جای دیگران گذاشتن به منظور درک بهتر وضعیت آن‌هاست؛ فردی که توانایی همدلی بالایی داشته باشد، می‌تواند ارتباط بهتری با دیگران برقرار کرده و مشکلات ارتباطی کمتری داشته باشد (هاکانسون و مونگومری، ۲۰۰۳). یافته‌های علمی گواه آن است که مهارت‌های زندگی از جمله مهم‌ترین نیازهای انسان امروزی است که برای تأمین آن لازم است فرد دقیقاً خود را بشناسد؛ بتواند دیگران را درک کرده و روابط مؤثری با آن‌ها ایجاد کند؛ هیجان‌های منفی و استرس‌های روزمره خود را شناسایی کرده و آن‌ها را تحت کنترل درآورد. مجموعه مهارت‌های زندگی نه تنها به توانمند ساختن افراد در زندگی حال می‌انديشد، بلکه به توانمندی آنان جهت زندگی آینده نیز تأکید می‌ورزد. هدف از مجموعه مهارت‌های زندگی، کمک به فرد در جهت حرکت از ناتوانی‌ها و ضعف‌های مهارتی به سوی توانمندی‌های مهارتی، قوی و سازنده است (آقازاده، ۱۳۸۹).

بعد آخر از مدل بالندگی تحت عنوان منش نامگذاری شده است. منش به رفتار و کنش‌های زنان سرپرست خانوار اشاره دارد. این بعد از بالندگی زنان سرپرست خانوار به دو شاخص چند نقشی بودن و مدیریت رفتار تقسیم شده است. به طور کلی منش دارای بار عاملی ۰,۹۶ بوده و دو شاخص چند نقشی بودن و مدیریت رفتار هر کدام به ترتیب دارای بار عاملی ۰,۹۳ و ۰,۹۴ هستند. در نظریه بسط نقش، سودمندی تکثر نقش‌ها را با امتیازاتی چون ارتقای عزت نفس، کسب وجهه، منزلت، پاداش‌ها و درآمد ناشی از اشتغال مورد تأکید قرار می‌دهد. فولر و همکارانش معتقدند زنان با اشتغال می‌توانند از یکنواختی و پایگاه اجتماعی نسبتاً پایینتر خانه دار بودن رهایی یابند. از این گذشته اشتغال معمولاً از نظر عاطفی با ایجاد تأمین مالی و اجتماعی، خشنودی و رضایت خاطر ایجاد می‌کند (احمدنیا، ۱۳۸۰).

نظریه تجمع نقش که توسط زیبره مطرح شد بر منافع حاصل از نقش‌ها تأکید می‌ورزد که عبارت‌اند از: مزیت یا امتیازات مرتبط با هر نقش، امنیت یا پایگاه حاصله و در مجموع فراهم آوردن امکاناتی در جهت بهبود پایگاه اجتماعی و بالاخره غنای شخصیت و رضایت خاطر که فرد از آن‌ها بهره‌مند می‌شود. به بیان دیگر این رویکرد بر این اعتقاد است که افراد قادرند زمان و انرژی لازم را برای به عهده گرفتن رفتارهای نقش که به آن‌ها متعهد می‌شوند تولید کنند. بنابر این اشخاصی که هم نقش کاری و هم نقش خانوادگی را اشغال می‌کنند وقت و انرژی کافی برای به عهده گرفتن فعالیت‌های مرتبط با هر نقش به دست می‌آورند (آریه، ۱۹۹۶).

مدیریت رفتار زنان سرپرست خانوار به مشارکت اجتماعی و اقدام مفید زنان در عرصه اجتماع اشاره دارد. زنان بالنده همواره خود را با جامعه همراه و هماهنگ می‌کنند و بر نحوه رفتار و ارتباطشان با مردم کنترل و مدیریت دارند. به طور کلی توجه ویژه به ابعاد اعتقادی و چند وجهی (در مقابل نگاه صرفاً اقتصادی غرب گرایانه) به زنان سرپرست خانوار مسلمان از مهم‌ترین دستاوردهای این مطالعه است. بعد بینش در طراحی این پرسشنامه ناظر بر این موضوع است. با توجه به تحلیل نتایج تحقیق و تفسیر داده‌ها بالندگی زنان دارای پیچیدگی نظری و عملیاتی است. اگرچه نمی‌توان ادعا نمود که مدل استخراج شده یک مدل کامل و بی نقص است، اما از آنجا که تا کنون به این موضوع پرداخته نشده و هیچ ابزار سنجشی برای بالندگی زنان سرپرست خانوار وجود ندارد، این تحقیق می‌تواند قدم اولی برای تحقیق و پژوهش در این زمینه باشد. با توجه به اینکه در این مقاله به مفهوم سازی و ساخت ابزار سنجش پرداخته شده است، پیشنهاداتی در این رابطه ارائه شده است؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود تحقیقات مشابه در سایر زنان مورد بررسی قرار گیرد. همچنین در راستای ارتقای اعتبار پرسشنامه پیشنهاد می‌شود پژوهشگران با روش‌های متفاوت دیگری به ارزیابی و اعتباریابی پرسشنامه بپردازند؛ پیشنهاد می‌شود مطالعات تطبیقی میزان بالندگی در بین زنان غیر سرپرست و زنان سرپرست خانوار صورت گیرد.

سیاسگزاری

از همه شرکت‌کنندگان در پژوهش که محقق را در راه رسیدن به اهداف پژوهشی یاری نمودند، به صورت ویژه سپاسگزاری و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

- احمدنیا، شیرین (۱۳۸۰) بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت محدود زنان. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱(۲): ۶۷-۱۰۵
- آقازاده، احمد (۱۳۸۹) آموزش و پرورش تطبیقی، تهران، انتشارات سمت.

خالقی پور، شهناز، مسجیدی، محسن، و احمدی، زهرا (۱۳۹۵). اثر بخشی معنویت درمانی اسلامی بر سبک زندگی و گلبول‌های سفید خون محیطی سالمندان افسرده. پژوهش در سلامت روانشناختی، ۱۰(۳): ۵۵-۷۰

بختیاری، آمنه، و محبی، سیده فاطمه (۱۳۸۵). حکومت و زنان سرپرست خانوار. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۹(۳۴): ۶۷.

دفتر بین‌المللی کار (۲۰۰۴). گزارش ۲۸۹ امین اجلاس هیئت مدیره، کمیته اشتغال و سیاست اجتماعی، ارتقای کار شایسته از طریق کارآفرینی، ترجمه شهناز طباطبایی (۱۳۸۴)، ژنو: انتشارات دفتر بین‌المللی کار، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.

جعفری، اصغر، حسینی، سیدمجید، و فاضلی، میترا (۱۳۹۷). تاثیر آموزش مهارت‌های خودآگاهی و مدیریت هیجان‌ها در افزایش تاب‌آوری و شادکامی زنان سرپرست خانوار. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۲(۸): ۴۱-۷۶

سلطانیان زاده، فرشته، چابکی نژاد، زهرا، و فلاح، محمدحسین (۱۳۹۸). پیش‌بینی سرزندگی بر پایه سبک‌های کنارآمدن و باورهای دینی در زنان سرپرست خانواده. مجله علوم روانشناختی، ۱۸(۳): ۴۵۹-۴۶۵

سیاها، علی، بنی‌سی، پری‌ناز، و محمدی‌آریا، علیرضا (۱۴۰۰). مقایسه سبک‌های فرزندپروری، احساس تنهایی و مهارت‌های ارتباطی زنان بی‌سرپرست و عادی. خانواده‌درمانی کاربردی، ۲(۲): ۳۰۶-۳۲۳

طالبان، محمدرضا (۱۳۸۱). دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز. تهران، موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.

اسلامی، نرگس، حشمتی، رسول، و اسماعیل‌پور، خلیل (۱۳۹۹). اثربخشی روایت درمانی گروهی بر توانمندی ایگو زنان سرپرست خانوار. مطالعات پلیس زن، ۳۳(۱): ۵ تا ۱۷.

جمشیدی، معصومه، و مهدی‌زاده، حسین (۱۳۹۸). کاربرد رویکرد آینده‌پژوهی در تحلیل سیستمی پیامدهای استراتژی مرسوم توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار استان ایلام. زن در توسعه و سیاست، ۶(۴): ۶۳۱-۶۵۲

پروندی، علی، و عارفی، مختار (۱۳۹۸). پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی بر اساس امیدواری و حمایت اجتماعی ادراک‌شده در زنان سرپرست خانوار. مطالعات زن و خانواده، ۷(۲): ۸۹-۱۱۴.

مصطفی‌پور، وحید، حسین‌ثابت، فریده، و برجعلی، احمد (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مثبت‌نگری به شیوه‌ی گروهی برافزایش شادکامی و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار. زن و مطالعات خانواده، ۴۵(۳): ۶۱-۷۸

هماینی‌دمیرچی، امین، محبوب‌عشرت‌آبادی، حسن، مهری، داریوش، و وثوقی‌نیری، عبدالله (۱۳۹۵). ارزیابی وضعیت بالندگی اعضای هیات علمی و ارائه راهکارهای مطلوب برای ارتقای آن (مورد مطالعه: یک دانشگاه نظامی). فصلنامه مدیریت نظامی، ۱۶(۶۱): ۲۹-۵۹

عباس‌زاده، محمد، بوداقتی، علی، و اقدسی‌علمداری، فرانک (۱۳۹۶). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تاکید بر راهکارهای بومی. مجموعه مقالات برگزیده مایش ملی توانمندسازی، ۱۳۹-۱۶۳.

حقی، صبا، حق‌طلب، طاهره، و عسگری، محمد (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش شناختی مبتنی بر مفروضه‌ها و قواعد به شیوه‌ی گروهی بر نگرش به بی‌معنایی زندگی و سرسختی روان‌شناختی زنان سرپرست خانوار با کیفیت زندگی پایین. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۸(۱): ۱۰۵-۱۲۳

References

- Arenander, A. T., & Travis, F. T. (2004). Brain Patterns of Self-Awareness. In B. D. Beitman & J. Nair (Eds.), *Self-awareness deficits in psychiatric patients: Neurobiology, assessment, and treatment* (pp. 112–126).
- Aryee, S. & Luk, V. (1996). Balancing two major parts of adult life experience L: Work and Family Identity among Dual- Earner Cou Ples, *Human Relation*. “ Studies Sex Roles Regression Anlysis Familie, Vol 49. Issue 4, and No 4. 504-566.
- Braun, V., Clarke, V., & Weate, P. (2016). Using thematic analysis in sport and exercise research. In *Routledge handbook of qualitative research in sport and exercise* (pp. 213–227). Routledge.
- Davis, Mark. (1983). Measuring individual differences in empathy: Evidence for a multidimensional approach. *Journal of personality and social psychology*. 44. 113-126.
- Fountoulakis, K. N., Siamouli, M., Magiria, S., Kaprinis G. (2008). late-life depression, religiosity, cerebrovascular disease, cognitive impairment and attitudes towards death in the elderly: Interpreting the data. *Medical Hypotheses*, 70(30), 493–496.
- Håkansson, J., & Montgomery, H. (2003). Empathy as an interpersonal phenomenon. *Journal of Social and Personal Relationships*, 20(3), 267–284
- Nadler G. 1983. Human purposeful activities for classifying management problems. *Omega*, 11: 15-26.
- Oman, D., & Thoresen, C. E. (2003). Spiritual modeling: A key to spiritual and religious growth? *International Journal for the Psychology of Religion*, 13(3), 149–165.
- Owensworth, T. L., McFarland, K., & Young, R. McD. (2002). The investigation of factors underlying deficits in self-awareness and self-regulation. *Brain Injury*, 16, 291–309.
- Panampitiya, W.M.G.N. (2019). A Study of Social and Health Conditions related to Women-Headed Households in Rural Areas in Sri Lanka, *Conference Proceedings: 5th National Research Conference on Applied Social Statistics, Volume 02, December 2019*. pp.57
- Pukuh, Nugraha. Hayu Fadlun Widyasthika. (2018). *WOMEN LEFT BEHIND? FINDINGS FROM FEMALE HEADED HOUSEHOLD IN INDONESIA*. Kapt.H. Sulaiman Raden Anom, Kayuagung, South Sumatera 30616, Indonesia.
- Waterman, A. S., Schwartz, S. J., & Conti, R. (2014). The Implications of Two Conceptions of Happiness (Hedonic Enjoyment and Eudaimonia) for the Understanding of Intrinsic Motivation. *Journal of Happiness studies*, 9(1): 41-79.

پرسشنامه بالندگی زنان

کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالقم	کاملاً مخالفم	سئوال
۵	۴	۳	۲	۱	۱. از انجام فرایض دینی روزمره غافل نمی شوم
۵	۴	۳	۲	۱	۲. در مناسبات و مراسمات مذهبی (نماز جماعت، عزاداری و...) شرکت فعال دارم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳. به نظر من تحمل مشکلات برای کسانی که ایمان قلبی دارند آسان تر است.
۵	۴	۳	۲	۱	۴. ایمان به خدا و اعتقادات دینی مانع از افسردگی و مشکلات روانی می شود.
۵	۴	۳	۲	۱	۵. همیشه خدا را به خاطر آنچه داده و حتی نداده، شاکرم
۵	۴	۳	۲	۱	۶. هیچگاه حاضر نیستم در مقابل ظلم سر خم کنم
۵	۴	۳	۲	۱	۷. حقوق و جایگاه خودم را می شناسم و به کسی اجازه نمی دهم وارد حریم شخصی من شود.
۵	۴	۳	۲	۱	۸. گاهی باید از سر ناچاری و برای دسترسی به موقعیتهای بهتر تن به خواسته های دیگران داد.

۵	۴	۳	۲	۱	۹. با سبیلی صورت خود را سرخ میکنم تا کسی به فقر من پی نبرد و سو استفاده نکند
۵	۴	۳	۲	۱	۱۰. به داشته های خودم قانعم و به خاطر فقر خود را نزد دیگران کوچک نمی‌کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۱. به خودم احترام میگذارم و سعی می‌کنم احترام دیگران را جلب کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۲. برایم مهم نیست دیگران درباره من چگونه فکر می‌کنند.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۳. به اینکه آینده زندگی خود را در دست بگیرم ایمان دارم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۴. نمی‌توانم به تنهایی زندگیم را مدیریت کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۵. گاهی اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۶. من دارای توانایی‌هایی هستم که می‌توانم به کمک آن زندگیم را مدیریت کنم
۵	۴	۳	۲	۱	۱۷. اگر ناچار شوم برای تامین معاشم حاضرم صیغه شوم
۵	۴	۳	۲	۱	۱۸. من در کنار توجه به نیازهای بچه‌هایم به نیازهای خودم نیز توجه دارم
۵	۴	۳	۲	۱	۱۹. دیکه برام مهم نیست که ظاهر منظمی داشته باشم و به خودم برسیم، اولویتم بچه‌هایم هستند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۰. به نشاط و شادی خودم هم توجه دارم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۱. زن سرپرست خانوار نباید کنج‌خانه بنشیند و دلش ببوسد.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۲. من هم مانند بچه‌هایم حق نشاط و زندگی شاد دارم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۳. نقاط ضعف و قوت خودم را خوب نمی‌شناسم
۵	۴	۳	۲	۱	۲۴. من مهارتهایی دارم و نسبت به آنها آگاهم و میدانم کجا بکارم می‌آیند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۵. به مشکلات زندگی اشراف کامل دارم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۶. می‌توانم فرصتها را شناسایی کنم و به بهترین نحو از آن استفاده کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۷. به مسائل روز آگاهم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۸. دانش کافی برای مدیریت اقتصاد خانواده دارم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۹. در صورت نیاز به منابع مالی نمی‌دانم چگونه اقدام کنم
۵	۴	۳	۲	۱	۳۰. کمیته امداد را می‌شناسم و اگر لازم باشد از آنها کمک میگیرم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۱. گاهی برای دریافت کمک به بهزیستی مراجعه می‌کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۲. کلینیک مددکاری و پایگاه خدمات اجتماعی را می‌شناسم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۳. با مددکاران نهادهای حمایتی در ارتباطم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۴. دوستان زیادی دارم و تعامل مداوم با افراد متفاوت دارم
۵	۴	۳	۲	۱	۳۵. به دیگران اعتماد دارم
۵	۴	۳	۲	۱	۳۶. سعی میکنم جایگاه واقعی خود در جامعه را حفظ کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۷. مهم نیست دیگران من را چه اندازه قبول دارند چون من به کسی اعتماد ندارم
۵	۴	۳	۲	۱	۳۸. دوست دارم تحصیلاتم را ادامه دهم یا حداقل دانش جدید کسب کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۳۹. اگر تحصیل کرده بودم الان شرایط بهتری داشتم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۰. دوست دارم مهارتهای شغلی و حرفه‌ای بیشتری یاد بگیرم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۱. مشکلات زندگیم آنقدر زیاد هست که چندان به فکر یادگیری و ارتقای مهارت‌های جدید نباشم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۲. هیچگاه اجازه نداده‌ام فرزندانم نبود در را احساس کنند.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۳. گرفتاری‌های کاری و مالی باعث شده صرفاً نان آور خانواده باشم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۴. تأمین نیاز عاطفی مقدم بر نیاز مالی فرزندانم است.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۵. علاوه بر مسئولیت‌م به عنوان سرپرست و والد در فعالیتهای گروهی و اجتماعی هم شرکت می‌کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۶. فرزندانم علاقه و استعداد خوبی به تحصیلات دارند.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۷. به فرزندانم در تکالیف درسیشان کمک می‌کنم.

۵	۴	۳	۲	۱	۴۸. بدون آنکه به دیگران آسیبی بزنم حقوق خودم را پیگیری می‌کنم.
۵	۴	۳	۲	۱	۴۹. گاهی لازم است از حق دیگران گذشت تا به حق خود برسی
۵	۴	۳	۲	۱	۵۰. جرات و جسارت کافی برای تغییر در زندگی‌م دارم.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۱. اقدام و عمل میکنم و دست روی دست نمیگذارم
۵	۴	۳	۲	۱	۵۲. انسان باید به دنبال توسعه و رشد خود و خانواده باشد.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۳. در مقابل دیگران کم می‌آورم و زود تسلیم تصمیم آنها می‌شوم.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۴. خودم برای خودم تصمیم می‌گیرم.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۵. هدف مشخصی در زندگی‌م ندارم و ناچارم به دیگران پناه ببرم تا در انتخاب اهدافم کمکم کنند.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۶. تحت تأثیر شرایط نظم نسبت به مسائل عوض میشود.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۷. زمانی که با یک مشکل مواجه می‌شوم عصبی می‌شوم.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۸. در حد توانم تلاش میکنم و به تلاش خودم باور دارم.
۵	۴	۳	۲	۱	۵۹. به نظر من اگر تلاش کنی خدا هم کمکت میکند که موفق شوی
۵	۴	۳	۲	۱	۶۰. بی‌رغبتی به کار و احساس سرخوردگی باعث شکست می‌شود.
۵	۴	۳	۲	۱	۶۱. جامعه باعث بدبختی امثال من است.
۵	۴	۳	۲	۱	۶۲. هرچو دلم بخواهد رفتار می‌کنم و عرف و قوانین جامعه هیچ دردی از من دوا نمیکند.
۵	۴	۳	۲	۱	۶۳. مشکلات زندگی‌م آنقدر زیاد هست که چندان به فکر یادگیری و ارتقای مهارت های جدید نباشم.
۵	۴	۳	۲	۱	۶۴. علاقه ای به مشارکت در کارهای گروهی و اجتماعی ندارم. دوست دارم تو لاک خودم باشم.

Development and validation of a quantitative questionnaire on the growth of female household heads

Narjes. Bakhtiar Khalaj¹, Mansour. Haghghatian^{*2}, & Seyed Naser. Hejazi³

Abstract

Aim: The purpose of this research is to identify the native dimensions and components based on the Islamic society and Iranian Muslim women, as well as to identify the native dimensions and components of growth and produce an accurate tool to measure these dimensions. **Methods:** The research method in this article is Turkish. The statistical population in the qualitative section includes experts and experts in the field of women heads of households. The statistical sample of the qualitative part was 15 people, whose volume was determined by the theoretical saturation method. In the quantitative part, the statistical population was all women heads of households, which was determined by using Cochran's formula to be 384 people, and for more certainty, the statistical sample was increased to 458 people. **Results:** The results showed that the development of female heads of households has 3 general dimensions (insight, knowledge and character) and 7 factors (faith, self-respect, self-knowledge, knowledge of the environment, life skills, multi-role, behavior management) and the factor load obtained in all Dimensions above 0.70 are acceptable. **Conclusion:** The growth of women has theoretical and operational complexity and it cannot be claimed that the extracted model is a complete and perfect model, but so far there is no indigenous measurement tool for the growth of female heads of the household, this research can be the first step for research in this field.

Keywords: Growth of female head of household, knowledge, insight, character, questionnaire validation.

1. PhD student, Department of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran

2. *Corresponding Author: Associate Professor, Department of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran

Email: mansour_haghghatian@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran